

متن کامل دعای کمیل به همراه ترجمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ

خداوندا، از تو مسئلت دارم، به حق رحمتت که

همه چیز را فرا گرفته است

و بِقُوَّتِكَ الَّتِیْ قَهَرْتَ بِهَا کُلَّ شَیْءٍ وَّ خَضَعَ لَهَا کُلُّ

شَیْءٍ وَّ ذَلَّ لَهَا کُلُّ شَیْءٍ

و به نیرویت که با آن تمام موجودات را مقهور

خویش ساختی

و همه چیز در برابر آن سر تسلیم فرود آورده

است و در مقابل آن هر چیزی ذلیل و خوار گشته

است

و بِجَبْرَوَتِكَ الَّتِیْ غَلَبْتَ بِهَا کُلَّ شَیْءٍ وَّ بَعِزَّتِكَ الَّتِیْ

لَا یَقُوْمُ لَهَا شَیْءٌ

و به جبروتت که با آن بر همه چیز چیره گشتی و

به عزتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد

و بِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي

عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگی ات که همه چیز را پُر کرده

است و به پادشاهی ات که بر همه چیز برتری یافته

و بِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي

مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به وَجَه و سیمای تو که پس از نابودی همه چیز،

باقی خواهد بود

و به اسماء تو که ارکان هستی اند و همه چیز را پُر

کرده است

و بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ

الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به عِلْمَت که بر همه چیز احاطه نموده و به نور

وَجْهَت که هر چیزی به وسیله آن، تابنده شده است

یا نُورُ یا قُدُّوسُ یا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، و یا آخِرَ الْآخِرِينَ

ای نور، و ای تو همه قِداست و پاکی! ای ابتدای

هر آغاز، و ای فرجامِ هر پایان

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ؛ اللَّهُمَّ

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ

خداوندا، بر من ببخش گناهی را که پرده
عصمت را پاره می کند؛

خداوندا، بر من ببخش گناهی را که بلا و
کیفرها را فرو می آورد

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ؛ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خداوندا، بر من ببخش گناهی را که نعمت ها را
دگرگون می سازد؛

خداوندا، بر من ببخش گناهی را که دعا را [از
اجابت] باز می دارد

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ؛ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِي كُلَّ ذَنْبٍ اُذْنِبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا

خداوندا، بر من ببخش گناهی را که بلا نازل
می کند؛ خداوندا، هر گناهی را که مرتکب شده ام،
بر من ببخش و هر خطایی را که از من سر زده
است، ببخش

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى
نَفْسِكَ

خدایا، من با یاد تو، به سویت تقرّب می جویم و
تو را برای خودت شفیع می آورم و به حقّ
بخشندگی ات،

وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ؛ وَأَنْ تُوْزِعَنِي

شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

از تو می خواهم که مرا به خودت نزدیک گردانی؛
و شکرگذاری ات را روزی ام سازی و یادت را به من
الهام فرمایی

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُّتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ اَنْ

تُسَاجِحَنِي

خدایا، از تو درخواست می کنم، درخواست
بنده ای فروتن، ذلیل و خاکسار که بر من آسان گیری
و تَرَحُّمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقَسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَ فِي جَمِيْعِ
الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

و رحم نمایی و مرا به آنچه روزی ام نموده ای
راضی و قانع سازی و در هر حالی فروتن گردانی
اَللّٰهُمَّ وَ اَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا، از تو درخواست می کنم، درخواست
بنده ای که تنگدستی و نیازش شدید شده است

و أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشُّدَّائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظَّمَ فِيهَا عِنْدَكَ

رَغْبَتَهُ

و به هنگامِ سختی‌ها، حاجتِ خود را به آستان تو آورده و رغبتش به آنچه نزد توست، زیاد شده است

اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانُكَ وَ عَلَا مَكَانُكَ وَ خَفِيَ مَكْرُكَ،

وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ

خداوندا، سلطنت و فرمانروایی‌ات بزرگ است و مقامت بسیار بلند است؛ و مکرّ پنهان است و امرت آشکار

وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَّتْ قُدْرَتُكَ وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ

حُكُومَتِكَ

و قهّاریت غالب است و قدرتت نافذ؛ و گریز از قلمروی حکومت ممکن نیست

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَ لَا

لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ

بارالها، جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم را بیامرزد؛ و جز تو کسی را نمی‌یابم که زشتی‌هایم را بپوشاند؛

و جز تو کسی را نمی‌یابم که کار ناپسندم را به

زیبایی تبدیل نماید

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي

جز تو معبودی نیست! پاک و منزّهی، و این
تسبیح همراه با حمد و ستایش توست؛ من به خود
ستم روا داشتم

و تَجَرَّاتٌ بِجَهْلِي، وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ
عَلَى

و به خاطر نادانی، گستاخی کردم؛ اما
خاطر آسوده‌ام که همیشه به یاد من بودی و بر من
لطف و احسان می فرمودی

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ، كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ؛ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ
مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَ كَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ

ای خدا و ای مولای من، چه بسیار زشتی‌ها که
بر من پوشاندی؛

و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من
دفع کردی، و چه بسیار لغزش‌ها که مرا از آن‌ها حفظ
کردی

وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ
أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ

و چه بسیار امور ناخوشایندی که از من دور
ساختی؛

و چه بسیار تمجیدهای نیکی که سزاوار آن
نبوده‌ام، ولی تو بر سر زبان‌ها انداختی!

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِيْ، و اَفْرَطَ بِيْ سَوْءُ حَالِيْ، و قَصُرَتْ

بِيْ اَعْمَالِيْ

خداوندا، بلا و گرفتاری‌ام شدید شده؛ و
بدحالی‌ام از حد گذشته و کردارم [در رساندن من به
هدف] نارسا گشته

و قَعَدَتْ بِيْ اَغْلَالِيْ، و حَبَسَنِيْ عَنِ نَفْعِيْ بَعْدُ اَمَلِيْ، و

خَدَعَتْنِيْ الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، و نَفْسِيْ بِجِنَايَتِهَا و مِطَالِيْ

و زنجیرها[ی تعلقات] مرا زمین‌گیر کرده؛ و
آرزوی دور و دراز، مرا از رسیدن به منفعتم باز داشته
است؛

و دنیا با فریبندگی‌اش مرا فریفته است؛ و نفسم با
جنایت و امروز و فردا کردنش، مرا فریب داده است

يَا سَيِّدِيْ، فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِيْ

سَوْءُ عَمَلِيْ و فِعَالِيْ

پس ای آقای من، به عزتت قسم، از تو می‌خواهم

که بدیِ کردارم، مانعِ [پذیرش] دعای من از درگاه

تو نشود

و لا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

و مرا با آنچه از اسرارِ نهانم می‌دانی رسوا مسازی

و لا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي

و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام داده‌ام،

شتاب نکنی

مِنْ سَوْءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَ

كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

از زشتیِ کردار و بدیِ رفتارم و مداومت در

کوتاهی و جهالتم و بسیاریِ شهوت‌ها و غفلتم

وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْوْفًا وَعَلَى

فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

خدایا، به عزتت سوگند که در همهٔ احوال با من

رئوف و مهربان باش! و در همهٔ امور بر من باعطوفت

باش

إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ؟! أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَ

النَّظَرَ فِي أَمْرِي

ای خدا و پروردگار من، به جز تو چه کسی را

دارم؟!

که از او بخواهم گرفتاری ام را برطرف کند و در
کار من نظر [لطف] بیندازد

إلهي و مولاي! أجريت علي حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى

نَفْسِي

ای خدا و ای مولای من! حُکْمی را بر من جاری
ساختی که در آن از هوای نفسم پیروی کردم

و لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِهَا أَهْوَى

و مواظب دشمنم (شیطان) نبودم که [اعمال
زشتم را] زینت می داد، پس او هم مرا به
خواهش های دلم فریب داد

و أَسْعَدَهُ عَلَي ذَلِكِ الْقَضَاءِ فَتَجَاوَزْتُ بِهَا جَرِي عَلَي

مِنْ ذَلِكِ بَعْضَ حُدُودِكَ

و تقدیر نیز او را در این امر یاری نمود و به سبب
این مسائل، از بعضی از حدّ و مرزهای تو تجاوز
کردم

و خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

و با بعضی از دستورات تو مخالفت نمودم

فَلَكَ الْحُجَّةُ (الْحَمْدُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي

فِيَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ

پس در همه آن مسائل، تو علیه من حجت داری
و در آنچه قضای تو بر آن تعلق گرفته، من حجتی
ندارم

و أَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَ بَلَاؤُكَ وَ قَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ

تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي

و حُكْمَ وَ آزمايش تو مرا به آن مقید کرده است،
اینک ای خدای من، بعد از کوتاهی ام،
و ستمی که بر جان خویش انجام دادم، به پیشگاه
تو آمده ام

مُعْتَذِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا

در حالی که عذرخواه و پشیمانم، و شکسته دل و
طالبِ بخشش هستم، و استغفار کننده و
بازگشت کننده ام

مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي

و [به گناه خویش] اقرار و اذعان دارم و اعتراف
می کنم و از آنچه از من سر زده، راه نجاتی نمی یابم
و لا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَ

إِدْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

و برای مشکلم پناهگاهی نمی‌یابم که به آن پناه
برم، جز اینکه عذرم را بپذیری و مرا در رحمت
گسترده خود وارد کنی

اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُوْذِرِيْ وَ اَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّيْ وَ فُكِّنِيْ مِنْ

شِدَّةٍ وَ ثَاقِي

پس خداوندا، عذرم را بپذیر و بر بیچارگی
بسیارم ترحم فرما و مرا از بندهای سختم برهان
یا رَبِّ اَرْحَمْ ضَعْفَ بَدْنِيْ وَ رِقَّةَ جِلْدِيْ، وَ دِقَّةَ

عَظْمِي

ای پروردگار من، بر ناتوانی جسمم رحم کن، و
بر نازکی پوستم و نرمی استخوانم ترحم فرما
یا مَنْ بَدَأَ خَلْقِيْ وَ ذِكْرِيْ وَ تَرْبِيَّتِيْ وَ بَرِّيْ وَ تَغْذِيَّتِيْ
ای کسی که در ابتدا مرا آفریدی و به یاد من
بودی، و [از همان زمان] عهده‌دار تربیت و نیکی و
تغذیه من بودی

هَبْنِيْ لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي

حال، به همان سابقه کرم و احسان گذشته، مرا

ببخش

يا اِلهِيْ وَ سَيِّدِيْ وَ رَبِّيْ! اُتْرَاكَ مُعَذِّبِيْ بِنَارِكَ بَعْدَ

تَوْحِيدِكَ؟!

ای معبود و آقا و پروردگار من! آیا این گونه
می بینی که مرا با وجود اقرار به یگانگی ات، به آتشت
عذاب می کنی؟!!

و بَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ؟!

و پس از آنکه دلم از شناخت تو روشنی یافته
است مرا می سوزانی؟!!

و لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ

حُبِّكَ

و با وجود آنکه زبانم به ذکر تو گویا شده، و با
اینکه نهاد من با محبت تو گره خورده...

و بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ

و بعد از آنکه صادقانه اعتراف کرده‌ام و تو را
خوانده‌ام و در برابر ربوبیت خاضع بوده‌ام، مرا
عذاب نمایی؟!!

هَيْهَاتَ! أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبَعِّدَ

مَنْ أَدْنَيْتَهُ

هیئات! بسیار بعید است! تو بزرگوارتر از آنی که
کسی را که خودت پرورده‌ای، تباه کنی!

یا کسی را که به خود نزدیک کرده‌ای، دور نمایی

أَوْ تُشْرِدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ

رَحْمَتَهُ

یا آن را که خود پناهِش دادی، از خود برانی یا

کسی را که خود مورد حمایت و رحمت قرار

داده‌ای، به امواج بلا واگذاری

و لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَوْ تُسَلِّطُ

النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً

ای آقا و معبود و مولای من! ای کاش می دانستم

که آیا بر صورت‌هایی که در برابر عظمتت بر خاک

به سجده افتاده‌اند، آتش را مسلط می‌کنی؟!!

وَ عَلَيَّ أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَ بِشُكْرِكَ

مَادِحَةً وَ عَلَيَّ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً

و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا

گشته‌اند و در شکرگزاری تو را ستوده‌اند؟!!

و بر آن دل‌هایی که واقعاً به خداوندی‌ات اعتراف

نموده‌اند؟!!

وَ عَلَيَّ ضَمَائِرَ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ

خَاشِعَةً

و بر آن جان‌هایی که سرشار از معرفت تو شده‌اند، تا آنجا که در برابرت فروتن گشته‌اند؟!!

و عَلَى جَوَارِحَ سَعَتِ إِلَىٰ أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، و

أَشَارَتِ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً

و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به سوی عبادت گاه‌های تو شتافته‌اند و با اعتراف از تو آمرزش طلبیده‌اند؟! [آیا همه این‌ها را می‌سوزانی؟!]

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ و لَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

هرگز به تو چنین گمانی نداریم! و از فضل تو به ما چنین خبر نداده‌اند!

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ! و أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ

بَلَاءِ الدُّنْيَا و عُقُوبَاتِهَا

ای خدای سخاوتمند؛ ای پروردگار! در حالی که تو خود از ناتوانی من در برابر کمی از بلای دنیا و کیفرهای آن، خبر داری!

و مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَىٰ أَهْلِهَا، عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ

بَلَاءٌ و مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بِقَاوُوهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ

و ضعف مرا در برابر سختی‌هایی که در زندگی دنیا به مردم می‌رسد، می‌دانی! با آنکه بلاهای دنیا

درنگش کم، ماندگاری اش ناچیز و مدتش کوتاه
است

فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ
فِيهَا؟! وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مُقَامُهُ

پس چگونه خواهد بود تحمل در برابر بلاى
آخرت و ناملايمات عظيم آن؟! در صورتى كه آن
بلايى است كه مدتش طولانى و درنگش دائمى است

وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ
انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ

و این عذاب برای اهل آن هیچ تخفیفى نخواهد
داشت؛ چراکه از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه
گرفته است

وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ

و این چیزی است كه آسمانها و زمین تاب
تحمل آن را ندارند

يَا سَيِّدِي! فَكَيْفَ بِي؟! وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ
الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

ای آقای من! پس من چگونه در برابر آن تاب
آورم؟! در حالی كه من بنده ناتوان و خوار و حقیر و

بی نوا و درمانده تو هستم!

يا إلهي و رَبِّي و سَيِّدِي و مَوْلَايَ! لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ
أَشْكُو؟!

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من! از کدامین
گرفتاری ام به درگاه تو شکوه کنم؟!

و لِمَا مِنْهَا أَضِجُّ و أَبْكِي؟! لِأَلِيمِ الْعَذَابِ و شِدَّتِهِ أَمْ
لِطَوْلِ الْبَلَاءِ و مُدَّتِهِ

برای کدام گرفتاری ام به درگاهت بنالم و گریه
کنم؟! از دردناک بودن عذاب و سختی آن؟! یا از
طولانی بودن بلا و درازی مدت آن؟!

فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ و جَمَعْتَ بَيْنِي
و بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ

پس اگر مرا در کیفرها با دشمنانت قرار دهی، و
اگر مرا با اهل بلایت در یک جا گردآوری

و فَرَّقْتَ بَيْنِي و بَيْنَ أَحِبَّائِكَ و أَوْلِيَائِكَ
و اگر میان من و دوستان و اولیای جدایی
افکنی...

فَهَبْنِي يَا إلهي و سَيِّدِي و مَوْلَايَ و رَبِّي! صَبَرْتُ عَلَى
عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟!

پس ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من! گیرم
که بر عذابت صبر کنم! ولی چگونه بر فراق تو شکوبا
باشم!؟

و هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ
إِلَى كَرَامَتِكَ!؟

و گیرم که گرمای سوزان آتش را تحمل کنم! اما
چگونه تاب آورم که چشم امید به بزرگیات
نیندازم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ

یا چگونه در آتش جهنم ساکن شوم و حال آنکه
امید من به بخششِ توست!؟

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ! أَقْسِمُ صَادِقًا لَّئِن
تَرَكْتَنِي نَاطِقًا

پس ای آقا و مولای من! سوگندِ راست می خورم
که اگر زبانم را باز بگذاری

لَأُصْرِحَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمِلِينَ وَ
لَأُصْرِحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِحِينَ

واقعاً در میان اهل جهنم مانند آرزومندان، به
پیشگاهِ تو ناله سرمی دهم و همچون فریادخواهان به

درگاهِ تو فریاد برآورم

و لَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ و لَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ

یا ولیّ المؤمنین

و مانند آنان که عزیزی از دست داده‌اند، از فراق

تو بگریم و تو را صدا می‌زنم که «کجایی ای

پشت‌وپناهِ مؤمنان؟!»

یا غایةَ آمالِ العارِفین! یا غیاثَ المُستَغِثین! یا

حَبیبَ قُلُوبِ الصّادِقین و یا إلهَ العالمین

ای نهایتِ آرزوی عارفان! ای فریادرسِ

فریادخواهان! ای محبوبِ دل‌های صادقان! و ای

معبود جهانیان!

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ یا إلهی و بِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا

صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

ای معبود من که تو را می‌ستایم؛ پس با تمام

این‌ها، آیا این‌گونه می‌بینی که

صدای بندهٔ مسلمانی را بشنوی که به‌خاطر

نافرمانی‌اش در دوزخ زندانی شده‌است؟!!

و ذاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ و حُسَّ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

بِجُرْمِهِ و جَرِيرَتِهِ

و به کیفرِ گناهِش، طعم عذاب جهنم را می چشد
و به خاطرِ جرم و گناهِش، در میان طبقات دوزخ
حبس شده است

و هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَ يُنَادِيكَ
بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و او همچون امیدوارانِ به رحمتت، به درگاهت
نال می زند و با زبان اهل توحیدت تو را می خواند
و به پیشگاه تو، به ربوبیت خودت متوسل شده و
چنگ می زند

يَا مَوْلَايَ! فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا
سَلَفَ مِنْ حَلِيمِكَ؟

ای سرور من! پس چگونه در عذاب ماندگار
می شود، در حالی که به سابقهٔ بردباری تو امید دارد؟!
أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ؟
یا چگونه آتش او را آزار دهد، در حالی که فضل
و رحمت تو را آرزو دارد!؟

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى
مَكَانَهُ؟

یا چگونه زبانه های آتش، او را بسوزاند، در حالی

که تو صدای [نالۀ] او را می شنوی و جایگاه او را می بینی؟!!

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟

یا چگونه دمِ سوزانِ آتش، او را فرا گیرد، و حال آنکه تو از ناتوانی اش خبر داری؟!!

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟

یا چگونه بین طبقاتِ دوزخ به این سو و آن سو رود، در حالی که تو از صدق ادعای او آگاهی؟!!

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٖ؟

یا چگونه دوزخ بانان او را برانند، و حال آنکه ندای «یا ربّ» او بلند است؟!!

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَرُكُهُ فِيهَا

یا چگونه ممکن است برای رهایی اش از دوزخ به فضلِ تو امید داشته باشد و تو او را در آنجا به حال خود واگذاری؟!!

هَيْهَاتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ

فَضْلِكَ

هیئات که چنین نیست و به تو چنین گمانی نمی رود! و این چیزی نیست که از فضل تو شناخته

و لَا مُشَبِّهٌ لِّهَا عَامَلَتْ بِهِ الْمَوْحِدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ

إِحْسَانِكَ

و این با رفتاری که از نیکی و احسانت با

موحّدین داشته‌ای، شباهتی ندارد

فِبَالْيَقِينِ أَقْطَعُ، لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

جَاحِدِكَ

بنابراین من یقین دارم اگر به عذاب منکران حکم

نکرده بودی

وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا

بَرْدًا وَ سَلَامًا

و قضای حتمی تو بر جاودانگی عذاب معاندان

تعلق نگرفته بود همه آتش دوزخ را سرد و سلامت

می گردانیدی

وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَ لَا مُقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

أَسْمَاؤُكَ

و برای هیچ کس در جهنم منزل و جایگاهی

وجود نداشت اما تو ای خدایی که نام‌هایت مقدس

است

أَقْسَمَتْ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

أَجْمَعِينَ

سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از همه کافران

جن و انس پُر کنی

و أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَ أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ

مُبْتَدَأًا

و معاندان و ستیزه‌جویان را در آن تا ابد ماندگار

سازی و هم تو که ثنایت پُرشکوه باد، پیشاپیش

فرمودی

وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا: أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

كَانَ فَاسِقًا؟! لَا يَسْتَوُونَ!

و به این انعام از روی بزرگواری تفضل نمودی

[که فرمودی]:

آیا آن کسی که مؤمن است همانند کسی است که

فاسق است؟! [هرگز چنین نیست] یکسان نیستند!

إِلٰهِي وَ سَيِّدِي! فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ

بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا

ای معبود و آقای من! پس از تو درخواست

می‌کنم به حق آن قدرتی که مقدر کردی و به حق آن

قضایی که آن را حتمی و قطعی نمودی

و غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

و بر آن کس که قضایت را در حق او جاری

کردی، غلبه پیدا کردی [می خواهم] که در این شب

و در این ساعت، بر من ببخشی

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلِّ قَبِيحٍ

أَسْرَرْتُهُ

هر جرمی را که انجام داده‌ام و هر گناهی را که

مرتکب شده‌ام و هر زشتی‌ای را که پنهان داشته‌ام

وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

و هر نادانی‌ای را که به کار گرفته‌ام، چه آن را

پنهان داشتم یا اینکه آشکار نمودم، چه مخفی داشتم

و چه عیان ساختم

وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ

وَ كَلَّتْهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

و [بر من ببخش] هر کار ناپسندی را که به

فرشتگان ارجمندت امر نمودی تا آن را ثبت کنند

کسانی که آنها را گماشتی تا هرچه را از من سر

می‌زند، ثبت نمایند

و جَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَ كُنْتَ أَنْتَ

الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و آنها را به همراه اعضای بدنم، علیه من گواه
قرار دادی و از پس آنان نیز تو خود ناظر [احوال]
من بودی

و الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ

بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

چیزهایی را شاهد بودی که از ایشان نیز پنهان
مانده بود! اما تو به رحمت خویش آنها را مخفی
نگه داشتی و به فضل خود پوشاندی

وَ أَنْ تَوْفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ

و [از تو می‌خواهم] از هر خیری که فرو
فرستاده‌ای، نصیب مرا فراوان گردانی یا از هر
احسانی که [بر بندگان] تفضل نموده‌ای

أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ

یا از هر نیکی‌ای که پراکنده ساخته‌ای یا از هر
روزی‌ای که گسترده‌ای

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ

یا از هر گناهی که می‌آموزی یا هر خطایی که

می‌پوشانی

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ! یا اِلهی و سَیِّدی و مَولای و

مالِکِ رِقی

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار

من! ای معبود و آقای من، و ای سرور و

صاحب‌اختیار من!

یا مَنْ بیدِهِ ناصِیتی یا عَلِیًّا بِضُرِّی و مَسکَنتی یا

خَیْرًا بِفَقْرِی و فاقَتی

ای آنکه زمام امور من به‌دستِ اوست؛ ای دانا به

بیچارگی و بی‌نوایی من؛ ای آگاه از فقر و تهی‌دستی

من

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ! اَسأَلُکَ بِحَقِّکَ و قُدسِکَ و

أعْظَمَ صِفاتِکَ و اَسْماءِکَ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار

من! به حقّ خودت، و به ذات مقدّست و به حقّ

عظیم‌ترین صفات و اسامی‌ات درخواست می‌کنم

أَنْ تَجْعَلَ أوقاتِ مِنَ اللَّیْلِ و النَّهارِ بِذِکْرِکَ مَعْمورَةً و

بِخِدمَتِکَ مَوْصولَةً

که اوقاتِ شب و روز مرا با یاد خودت آباد
گردانی و پیوسته در خدمتگذاری خودت قرار دهی
و أعمالی عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ حَتَّى تُكُونَ أَعْمَالِي و اُورادی
كُلُّهَا وِرْدًا وَاوْحِدًا

و اعمالم را مقبول درگاہت بگردانی تا اعمال و
اوراد من همه، یک جا و یک جهت [برای تو] باشد
و حالی فی خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

و حالم تا ابد پیوسته در خدمت تو باشد
یا سَیِّدِی! یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلٌ، یا مَنْ إِلَیْهِ شَكْوَتُ
أَحْوَالِی

ای آقای من! ای آن که تکیه من بر اوست؛ ای آن
که شکایتِ حالم را فقط به سوی او می برم
یا رَبُّ یا رَبُّ یا رَبُّ! قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِی

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار
من! اعضای تنم را در خدمت به خودت نیرومند کن
و اشدُّد عَلٰی الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِی و هَبْ لِي الْجِدِّ فِي

خَشِيَّتِكَ

و دلم را بر عزم و همت استوار ساز، و جدیت در
ترس از خودت را به من عنایت فرما

و الدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أُسْرَحَ إِلَيْكَ فِي

مِيَادِينِ السَّابِقِينَ

و همیشه مرا در خدمتِ خودت قرار بده تا در

عرصهٔ پیشتازان به سویت روان باشم

و أُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَ أَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي

الْمُشْتَاقِينَ

و در زمرهٔ پیشگامان به سمت تو بشتابم و در

جملهٔ مشتاقان به قُرب تو اشتیاق بورزم

و أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ

الْمُوقِنِينَ وَ أَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و مانند مخلصین و رهایی‌یافتگان به تو نزدیک

شوم و مثل اهل یقین از تو بترسم و با مؤمنان در جوار

تو گرد آیم

اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

خداوندا، هر کس شرِّ مرا بخواهد، بدش را بخواه

و هر کس با من حيله ورزد، با او حيله بورز

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ

مَنْزِلَةً مِنْكَ

و مرا از بهره‌مندترین بندگان در نزد خودت قرار

بده و از مقرب‌ترین آن‌ها در پیشگاهت قرار بده

و أَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

و از مخصوص‌ترین خاصان درگاهت قرار بده

زیرا جز با فضل تو به این [جایگاه] ها نمی‌توان دست

یافت

و جُدْ لِي بِجُودِكَ و اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

و با جود و بخشش به من ببخش و با مجد و

بزرگی‌ات به من توجه کن

و احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ و اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ هَجًا و

قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيًّا

و به رحمت خویش مرا حفظ فرما و ذکر خود را

ورد زبانم ساز و قلبم را با محبتت و اله و شیدا گردان

و مِّنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ و أَقْلِنِي عَثْرَتِي و اغْفِرْ

زَلَّتِي

و با اجابت نیکویت، بر من منت بگذار و لغزشم

را نادیده گیر و خطایم را ببخش

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ و أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ

و ضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

چرا که تو خود بر بندگان، به پرستش خویش

حکم نمودی و فرمان دادی تا تو را بخوانند و خود
نیز اجابتِ دعای آنان را ضمانت کردی

فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ

یَدی

پس اینک ای پروردگار من، تنها روی به سوی تو
آوردم و دستم را فقط به جانبِ تو دراز کردم

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ

مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي

پس به عزّتت سوگند، که دعای مرا اجابت کن و
مرا به آرزویم برسان و امیدم را از فضل خویش ناامید
نکن

وَإِكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

و مرا از گزندِ دشمنانِ جن و انس، محافظت فرما

يَا سَرِيعَ الرَّضَا! اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ

فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ

ای خدایی که زود خشنود و راضی می شوی!
بیخس بنده‌ای را که جز دعا چیزی ندارد که قطعاً تو
هر چه را بخواهی انجام می دهی

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى

ای آن که نامش دواست و ای آن که یادش
شفاست و ای کسی که فرمانبرداری از او، بی‌نیازی
است

إِرْحَم مِّن رَّأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

رحم کن بر کسی که سرمایه‌اش امید به توست و
سلاح او گریه و زاری است

يَا سَابِغَ النُّعْمِ يَا دَافِعَ النُّقْمِ يَا نَوْرَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي

الظُّلْمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ

ای گستراننده نعمت‌های بسیار! ای دور کننده
بلاها! ای روشنی‌تنهایی وحشت‌زدگان در
تاریکی‌ها! ای دانای ناآموخته!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بر محمد و آل محمد درود فرست و با من چنان
رفتار کن که لایق حضرت توست

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَ

سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا بر فرستاده‌اش و بر امامان خجسته از
خاندانش و سلام فراوان بر ایشان باد.